

## سازمان مجاهدین خلق ایران

پس از ایجاد هسته مرکزی سازمان مجاهدین در تهران، گروه بنیانگذار آن، هفته ای دو بار به طور منظم جلساتی ترتیب می دادند و در زمینه استراتژی و برنامه های آینده به بحث و گفتگو می پرداختند، در سخنرانی های مسجد هدایت و حسینیه ارشاد شرکت می کردند، با جوانان تماس می گرفتند و افراد تازه ای را جذب می کردند. آنها سلول های کوچکی در شهرهای قزوین، تبریز، مشهد، اصفهان و شیراز ایجاد کرده بودند و گروه اصلی شان در زمینه تاریخ، مذهب، تئوری های انقلابی نظیر انقلاب های روسیه، چین، کوبا، الجزایر، و تاریخ گذشته ایران، بخصوص تاریخ انقلاب مشروطه، انقلاب جنگل و جنبش ملی شدن صنعت نفت، مطالعاتی را انجام دادند. کار روی قرآن، نهج البلاغه و سایر متون مذهبی را به عنوان اساس تفکر و اندیشه خود و نیز مطالعه کتاب های «راه طی شده»، «ذره بی انتها» و «عشق و پرستش» را در برنامه خود قرار دادند و نیز کتاب های اقتصاد، پول برای همه، مزد کارگر، تضاد، درباره عمل، اثر مائو، دولت و انقلاب و چه باید کرد؟ نوشته لنین، چگونه یک چریک باشیم، چگونه می توان کمونیست خوبی بود! اثر لیوشائوچی، جنگ چریکی تألیف چه گوارا، دوزخیان روی زمین اثر فرانتس فانون الجزایری، کتاب استراتژی نبرد چریکی در شهر، نوشته آبراهام گیلن، انقلاب در انقلاب اثر ژریس دبیری و دیگر کتاب های انقلابی را مطالعه و بررسی کردند. آنها پس از دو سال بحث و گفت و شنود، در سال ۱۳۴۷ با تشکیل کمیته مرکزی<sup>(۱)</sup>، تصمیماتی را در زمینه ساختار تشکیلاتی، ایدئولوژی و آموزشی، به شرح زیر اتخاذ کردند: الف- تشکیل گروه ایدئولوژی، برای تهیه و تدوین متون ایدئولوژیک و

بحث های مربوط به آموزش کادرها.

ب- تشکیل گروه روستائی برای شناسائی وضع روستاهای ایران، بررسی نتایج برنامه اصلاحات ارضی، مشخص کردن بافت اقتصادی- اجتماعی روستاها و روشن کردن زمینه های سیاسی- مبارزاتی در آن.<sup>(۲)</sup>

ج- تنظیم برنامه آموزشی با توجه به تراکم برنامه های مزبور و اجرای آن در کوتاه مدت.

د- تشکیل خانه های «تیمی» به منظور تسهیل ارتباط نزدیک با افراد در زمینه آشنائی با مسائل آنها و نیز تقویت روحیه و انضباط افراد.

تجربیات تاریخی، به این نتیجه می رسد که ایدئولوژی اسلام و بالاخص مکتب تشیع جای ویژه ای در فرهنگ مردم داراست و سنت های انقلابی و مبارزاتی تشیع می تواند در بسیج توده های مردم برای مبارزه نقش بارزی ایفا کند.<sup>(۴)</sup> تیم ایدئولوژی برای آموزش سازمان، تحت عنوان «متدلوژی»، مطالعه کتاب های «شناخت»، «امام حسین»، «تکامی»، «راه انبیاء»، «راه بشر»، «نهج البلاغه» و «تفسیر سوره های انفال، توبه، محمد(ص)» را توصیه کرد. در ادامه کار گروه، تحلیلی از تاریخ اسلام بعد از پیامبر و

# احزاب سیاسی ایران

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷

احزاب، سازمان ها، و گروه های مخالف شاه

محمود نفیسی

## ایدئولوژی

تیم ایدئولوژی شامل نه تن بود، شش تن از کمیته مرکزی و سه تن دیگر از فعالان سازمان<sup>(۳)</sup>؛ رهبری تیم را محمد حنیف نژاد و علی میهن دوست عهده دار بودند. سازمان در آغاز، ایدئولوژی «اسلام» را به عنوان تئوری راهنمای عمل خود در مبارزه ضد امپریالیستی انتخاب کرد. بنیانگذاران سازمان در توجیه این انتخاب می گویند: «یکی از مهمترین کارهای سازمان، پرداختن به تدوین ایدئولوژی اسلام و زدودن زنگارهای قومی و طبقاتی از دامان آن است [...] سازمان چه به اتکاء ایدئولوژی توحیدی خویش و چه بر مبنای جمع بندی

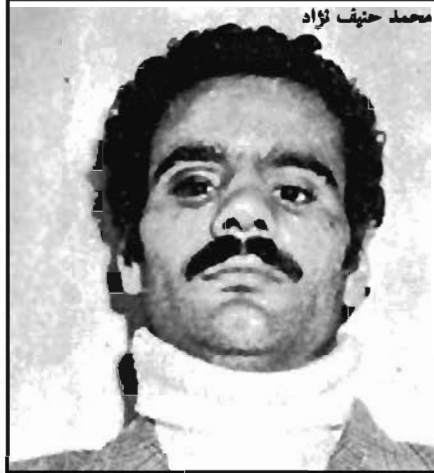
بطور خاص، قیام امام حسین صورت گرفت که پس از آن به کتاب «امام حسین» مشهور شد. احمد رضائی در امور تحقیقاتی این کتاب نقش مهمی ایفا کرد. یرواند آبراهامیان درباره کتاب امام حسین چنین نوشته است: «چرا که تنها خدا را پرستش می کرد و جامعه بی طبقه ای بود که برای صلاح عامه گام بر می داشت. از دیدگاه رضائی، ائمه شیعه بویژه امام حسین (ع)، علیه زمین داران فئودال و سرمایه داران تاجر پیشه استعمارگر و همچنین خلفای غاصبی که به هدف راستین نظام توحیدی خیانت کرده بودند، قیام کردند. به نظر مجاهدین و رضائی، این وظیفه همه مسلمانان

است که مبارزه را تا برقراری جامعه‌ای بی طبقه و نابودی هرگونه ظلم و بویژه امپریالیسم، سرمایه داری، استبداد و روحانیت محافظه کار، ادامه دهند.» سازمان مجاهدین نگرش خود را به مذهب این گونه بیان می کند:

«ما پس از سال ها مطالعه گسترده تاریخ اسلام و ایدئولوژی شیعه به این نتیجه قاطع رسیده ایم که اسلام بویژه تشیع، نقش مهمی در الهام بخشی توده ها برای پیوستن به انقلاب ایفا خواهد کرد. زیرا تشیع، بویژه عمل تاریخی شهادت و مقاومت امام حسین «ع»، هم یک پیام انقلابی و هم جایگاه ویژه ای در فرهنگ مردمی ما دارد.<sup>(۵)</sup> ایدئولوژی اسلامی با معیار توحیدی، تا شهریور ۱۳۵۰ و آغاز دستگیری ها، به عنوان هویت ایدئولوژیک سازمان مجاهدین رعایت می شد و در آموزش ها، نشریات، دفاعیات و اعلامیه های سازمان ملحوظ می گردید. در عین حال برخی از متون مارکسیستی به منظور استفاده از تجارب علمی و اجتماعی مورد مطالعه قرار می گرفت.<sup>(۶)</sup>»

«روحانی» و «حق شناس» که از فعالان سازمان بودند، ایدئولوژی مجاهدین را با صراحت و روشنی توضیح می دهند و می گویند: «منظور اصلی ما ترکیب ارزش های والای مذهب اسلام با اندیشه علمی مارکسیسم است... ما معتقدیم که اسلام پر استین یا تئوری های تحول اجتماعی، جبر، تاریخ و نبرد طبقاتی سازگاری دارد.<sup>(۷)</sup> یکی از نشریات مجاهدین که در اوائل انقلاب منتشر شد، درباره تلفیق تئوری های اسلام با مارکسیسم نوشت: «ما به فلسفه مارکسیسم بخصوص در مورد اتحاد می گوئیم «نه» ولی به اندیشه اجتماعی، بویژه تحلیل های آن درباره فئودالیسم، کاپیتالیسم و امپریالیسم می گوئیم «آری».<sup>(۸)</sup> رژیم شاه، سازمان مجاهدین را «مارکسیست های اسلامی» می نامید و ادعا می کرد که اسلام تنها پوششی برای

محمد حنیف نژاد



پنهان کردن ویژگی مارکسیستی آن است. سازمان مجاهدین هم پاسخ می دهد که گرچه «مارکسیسم» را به عنوان روش پیشرفته تحلیل اجتماعی می پذیرد، اما ماتریالیسم را محدود می داند و اسلام را سرچشمه الهام فرهنگ و ایدئولوژی خود قلمداد می کند.<sup>(۹)</sup> سازمان مجاهدین در جزوه پاسخ به اتهامات رژیم شاه، نگرش خود را به مارکسیسم و اسلام اینگونه خلاصه می کند:

«شاه از اسلام انقلابی به وحشت افتاده است، بنابراین همواره جار می زند که یک مسلمان نمی تواند انقلابی باشد. در اندیشه او، فرد یا باید مسلمان باشد یا انقلابی، او نمی تواند هر دوی آنها باشد. اما واقعیت بطور کامل برعکس است. فرد یا انقلابی است و یا اینکه یک مسلمان حقیقی نیست. در سراسر قرآن هیچ مسلمانی وجود ندارد که انقلابی نباشد. رژیم تلاش می کند تا شکافی میان مسلمانان و مارکسیست ها ایجاد کند. اما در نظر ما تنها یک دشمن اصلی - امپریالیسم و همکاران منطقه ای آن - وجود دارد. وقتی ساواک اعدام می کند هم مسلمانان و هم مارکسیست ها را اعدام می کند. وقتی شکنجه می کند هم مسلمانان و هم مارکسیست ها را شکنجه می کند. در نتیجه در شرایط کنونی،

وحدتی درونی میان انقلابیون و مسلمانان و مارکسیست ها وجود دارد و با توجه به همین نکات است که ما به مارکسیسم احترام می گذاریم.

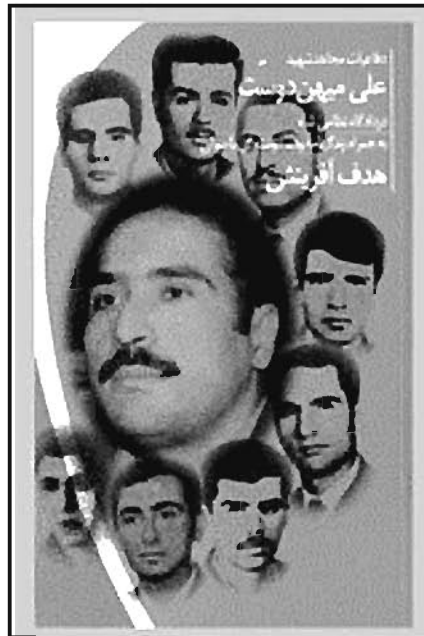
البته مارکسیسم و اسلام یکی نیست، اما بطور قطع اسلام به مارکسیسم نزدیکتر است تا به سلطنت پهلوی. و چون اسلام و مارکسیسم، هر دو بر ضد بی عدالتی می جنگند، درس های یکسان می دهند. اسلام و مارکسیسم پیامی مشابه دارند؛ زیرا هر دو، الهام بخشی شهادت، مبارزه و ایثارند. کدام یک از این ها به اسلام نزدیکتر است؟ ویتنامی های که بر ضد امپریالیسم آمریکا می جنگند یا شاهی که به صهیونیسم کمک می کند؟ از آنجا که اسلام علیه ظلم و بی عدالتی می جنگد با مارکسیسم که آن هم بر ضد ظلم مبارزه می کند همکاری خواهد کرد. آنها دشمن مشترکی دارند: امپریالیسم مرتجع.<sup>(۱۰)</sup>

### نگار هر روستاها

پس از اجرای برنامه اصلاحات ارضی و نتایج ناشی از آن، بررسی و تحقیق دقیق از وضعیت روستاها و زندگی روستائیان با توجه به اهمیت نقش طبقه کشاورز در مبارزات خلق، ضرورت داشت. به همین منظور، گروه روستائی با مسئولیت عبدالرسول مشکین فام تشکیل شد. این گروه با سفر به چند منطقه، مخصوصاً غرب کشور و آشنا شدن با وضع روستاها و مسائل روستائی، نتیجه تحقیقات خود را در چند جزوه زیر عنوان «تحلیل روستائی» در اختیار سازمان قرار داد تا در تدوین استراتژی مورد استفاده قرار گیرد. گروه در یکی از جزوه ها، زیر عنوان «روستا و انقلاب سفید» در تحلیل اوضاع کشاورزی بدین نتیجه رسیده بود که اصلاحات ارضی توان انقلابی جامعه کشاورزی ایران را کاهش داده است و انقلاب آینده، به احتمال زیاد

### تدوین استراتژی

در اواخر سال ۱۳۴۷، سازمان مجاهدین خلق ایران پس از سه سال کار در زمینه ساختار تشکیلاتی، مطالعه و بررسی انقلابات، شناخت نسبی از جامعه ایران و نیز تدوین برنامه های آموزشی و تشکیل خانه های تیمی برای شروع عملیات مسلحانه، به تنظیم و تدوین استراتژی خود پرداخت. بدین منظور، ۱۶ تن از کادرهای بالای سازمان در گروه های چهار- پنج نفری و در مدتی بیش از هشت ماه، به مطالعه و بحث درباره مسائل استراتژی پرداختند و نتیجه بررسی و تحقیقات خود را زیر عنوان «جمع بندی بحث های استراتژیک» تسلیم سازمان کردند. خلاصه طرح مزبور که از شیوه مبارزات انقلاب کوبا و چین نشأت گرفته بود، بدین شرح عنوان گردید: ۱- ایران زیر سلطه غرب، بویژه امپریالیسم آمریکا قرار دارد. اقتصاد آن تحت کنترل بورژوازی وابسته است و اصلاحات ارضی، مناسبات اقتصادی حاکم را از سیستم بورژوا مالک به سیستم بورژوازی وابسته تبدیل کرده است. ۲- اصلاحات ارضی به رغم اینکه بطور واقعی صورت نگرفته و مناسبات استعمارگرانه را از بین نبرده است، بطور تاکتیکی از بروز پتانسیل انقلابی در روستاها جلوگیری می کند. ۳- رژیم ایران یک رژیم پلیسی است یعنی اینکه قدرت و ثبات سیاسی اثن ناشی از عملکرد و سلطه نیروهای امنیتی و ساواک است که از طریق سیا و اتلیجنت سرویس هدایت می شود. - به علت فشارهای طبقاتی و جریانات مبارزاتی، آگاهی خلق ایران به نقطه ای رسیده است که دیگر گروه پیشتاز نیازی به شناساندن چهره و ماهیت واقعی رژیم ندارد، هرچند بایستی با عملیات و تبلیقات و آموزش های سیاسی



مناسب در جهت هرچه عمیقتر کردن این آگاهی حرکت کرده- برای توده ای کردن مبارزه و از بین بردن یأس و ترس، باید با شکستن جو پلیسی، ثبات سیاسی رژیم را از بین برد. چنین کاری، تنها در پرتو عملیات مسلحانه امکان پذیر است. ۶- سازمان با اتکاء به ایدئولوژی «توحیدی» خویش و نیز بر مبنای تجربیات تاریخی، بدین نتیجه می رسد که ایدئولوژی اسلام و بالاخص مکتب تشیع، مقام خاص و ویژه ای را در فرهنگ مردم ایران دارد و سنت های انقلابی و مبارزاتی تشیع، می تواند در بسیج توده های مردم و امر مبارزه نقش بارزی را ایفا کند. ۷- رژیم در پناه اصلاحات ارضی، تشکیل خانه های انصاف، شرکت های تعاونی روستائی، شرکت های سهامی زراعی، ادغام روستاها و ایجاد شرکت ها و واحدهای کشت و صنعت توانسته به کنترل سیاسی- نظامی در روستاها دست یابد و در واقع نقطه ضعف خود را بطور تاکتیکی در روستاها از بین ببرد، لذا شروع مبارزه بایستی از شهر صورت گیرد و تنها در شهر امکان از بین بردن ثبات سیاسی رژیم و توده ای ساختن مبارزه وجود

دارد. مرحله بعدی مبارزه، بردن آن به روستاها و انتخاب مناطق استراتژیکه با توجه به شرایط و موقعیت مناسب جغرافیائی در مناطق روستائی است. ۸- ایجاد ارتش آزادیبخش خلق و توده ای در روستاها و ادامه جنگ چریکی تا پیروزی نهائی.<sup>(۱۲)</sup>

### تفسیر ساختار تشکیلاتی

در بهار سال ۱۳۴۷، تغییراتی در ساختار رهبری و تشکیلاتی سازمان به عمل آمد. کمیته مرکزی به کادر مرکزی تبدیل شد و تعداد اعضای آن به شانزده تن رسید که دوازده تن آنها، اعضای کمیته مرکزی سابق بودند.<sup>(۱۳)</sup>

تیم های انتشارات، لجستیک، اطلاعات و ارتباطات برای تدارک فعالیت های مسلحانه در اواسط همان سال ایجاد شد. سازمان با حذف تیم روستائی، به این نتیجه رسید که امکان نبرد مسلحانه در شهرها بیشتر از روستاهاست. سلول های کوچک دو نفره، به سه نفره تبدیل شد. هر سلول شامل یک گروه بود. گروه ها، بطور عمودی با یکی از اعضای کادر مرکزی ارتباط داشتند و در خانه های تیمی زندگی می کردند. اعضای گروه از بازاریان و نهضت آزادی کمک های مالی دریافت می کردند.<sup>(۱۴)</sup> این نوع کمک ها به مجاهدین موجب شد که بر خلاف فدائیان مارکسیست، آنها از ابتدای کار برای تأمین هزینه های خود به بانک ها دستبرد نزنند. مجاهدین در زمینه ارتباط با شخصیت های ملی و مذهبی فعال بودند و با سران نهضت آزادی ایران که در زندان بسر می بردند، ارتباط داشتند. مسجد هدایت پایگاه اصلی و فکری آنها بود. آنها با دکتر علی شریعتی درباره مسائل سیاسی و مذهبی به گفتگو می نشستند و افکار و نظریات خود را با عقاید وی بسیار نزدیک و هماهنگ می دانستند، تا جایی که برخی دکتر

شریعتی را الهام بخش مجاهدین می دانستند. به هر حال، تأثیر افکار و عقاید شریعتی بر روی مجاهدین هر چه باشد، این نکته مسلم است که شریعتی با ایراد سخنرانی‌های شورانگیز و پخش آثار و نوشته‌های جالب خود، در ارائه سیمای واقعی اسلام، تشیع و شهادت و نیز بیداری جوانان و برانگیختن شور انقلابی جوانان میانه رو در ایران نقش بسزائی داشت. حسینیه ارشاد و انجمن حجتیه و انجمن‌های اسلامی دانشجویمان به دلیل جذب جوانان مذهبی، زمینه مناسبی را برای عضوگیری مجاهدین فراهم می‌آورد.

#### ارتباط با سازمان الفتح

سازمان برای کسب آموزش سیاسی-نظامی، با سازمان آزادیبخش فلسطین و بخش نظامی الفتح ارتباط برقرار کرد. در فروردین

۱۳۴۹، دو تن از مجاهدین به «قطر» رفتند و با یکی از نمایندگان الفتح که از بیروت آمده بود ملاقات کردند و در مورد اعزام اعضای سازمان مجاهدین به عمان و آموزش آنها در اردوگاه‌های نظامی مذاکراتی به عمل آوردند. در اواخر خرداد ماه ۱۳۴۹، هشت تن از مجاهدین، با مدارک جعلی از راه دومی به ابوظبی رفتند و پس از تهیه گذرنامه به «دومی» مراجعت کردند. سه تن دیگر، عازم بیروت شدند و به دو تن دیگر که یکی از تهران و دیگری از پاریس به بیروت رفته بودند ملحق شدند. پیش از عزیمت گروه اول به لبنان، چند تن دیگر از مجاهدین به افرادی که در «دومی» بودند ملحق شدند تا از آنجا به بیروت پرواز کنند. ولی شش تن از آنها به علت سوء ظن پلیس، دستگیر و زندانی شدند. مقامات شیخ نشین خبر بازداشت آنها را به مقامات وزارت خارجه ایران اطلاع دادند.

#### بودن هواپیما

سازمان مجاهدین خلق در تهران پس از آگاهی از دستگیری افراد خود، سه تن را به دومی فرستاد؛ افراد مزبور ضمن تماس با زندانیان آگاه شدند که بزودی آنها را به مقامات امنیتی ایران تحویل می‌دهند و سپس با هواپیما به تهران می‌برند. زندانیان نیز از این خبر مطلع شدند. افراد اعزامی از تهران، پس از اطلاع از تاریخ تحویل زندانیان به مأمورین ایرانی و نیز تاریخ پرواز آنها به تهران، برای خود بلیط تهیه کردند. آنها از پیش، اسلحه کمری، بنزین و مواد ناهالم و انفجاری را نیز آماده کرده بودند. روز ۱۵ آبان ۱۳۴۹، زندانیان با دستبند به فرودگاه برده شدند و هواپیما در ساعت مقرر به مقصد تهران پرواز کرد. سرنشینان هواپیما، گذشته از خلبان، کمک خلبان و میهماندار، ۹ تن از افراد سازمان مجاهدین، دو مسافر پاکستانی، یک

## آگاهی پذیرش آموزگار

کانون فرهنگی ایرانیان برای کلاسهای فارسی، انگلیسی، و کلاسهای آموزشی دیگر آموزگار می‌پذیرد.

جویندگان باید در این زمینه‌ها پیشینه کاری داشته باشند و به هر دو زبان فارسی و انگلیسی آشنا باشند.

خواهشمندیم برای آگاهی بیشتر به شماره زیر با دفتر کانون تماس بگیرید.



www.ICFHouston.org

More Info: 713-590-9770

کانون فرهنگی ایرانیان سازمانی است غیر انتفاعی که به هیچ گروه سیاسی یا دینی وابسته نیست.

مسافر ایرانی و مأمورین مسلح دویی بودند. ده دقیقه پس از شروع پرواز، یکی از مجاهدین با استفاده از اسلحه کمربندی خود، سرپرست پلیس دویی و مأمورین او را وادار کرد که تسلیم شوند. زندانیان با گرفتن کلید، دستبندهای خود را باز کردند. خلبان و کمک خلبان نیز تسلیم شدند. و بدین نحو کنترل هواپیما در اختیار مجاهدین قرار گرفت و به بغداد برده شد. در فرودگاه بغداد، مأمورین دولت عراق که نسبت به این هواپیما ربانی ظنین شده بودند و آن را حمله گری ساواک می دانستند، مجاهدین را بازداشت و شکنجه کردند و پس از چند هفته، آنها را به نماینده سازمان الفتح تحویل دادند که از آنجا به بیروت برده شدند و در یکی از پایگاه های شمال لبنان، به دیگر مجاهدین پیوستند. گفتنی است که ساواک یک سال بعد از این حادثه بود که از هویت هواپیماربانان و تشکیل گروه چریکی آن هم نه سازمان مجاهدین، آگاه شد.<sup>(۱۵)</sup>

همزمان با فعالیت مجاهدین در دویی، در مردادماه ۱۳۴۹، هفت تن دیگر از افراد سازمان برای عزیمت به لبنان، از تهران به اردن رفتند و در پایگاه چریک های فلسطینی در آن کشور آموزش های نظامی و چریکی فرا گرفتند.<sup>(۱۶)</sup>

در فروردین ۱۳۵۰، چهار تن از مجاهدین آموزش دیده با چند قبضه مسلسل سبک و مهمات به ایران برگشتند. دو تن دیگر نیز در مراجعت به ایران، به هنگام بازرسی بدنی در فرودگاه بیروت و کشف سلاح هایی که با خود داشتند، دستگیر شدند. بین سال ها ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷، سی تن از مجاهدین برای آموزش جنگ های چریکی به اردوگاه های نظامی سازمان آزادیبخش فلسطین اعزام شدند ولی سازمان «سیا» در گزارش های خود، تعداد این افراد را بیشتر برآورد کرده است، منابع دیگر غربی این تعداد را به چند صد تن گزارش

کرده اند.<sup>(۱۷)</sup>

#### پانویس ها:

- ۱- کمیته مرکزی دوازده عضو داشت، محمد حنیف نژاد، سعید محسن و بدیع زادگان، بنیانگذاران اصلی، و محمود عسکری زاده، و عبدالرسول مشکین فام، علی میهن دوست، احمد رضائی، ناصر صادق، علی باکری، محمد بازرگانی، بهمن بازرگانی و مسعود رجوی، دیگر اعضای کمیته مرکزی بودند.
- ۲- مسئول این گروه عبدالرسول مشکین فام بود. وی با سفر به نقاط مختلف کشور و آشنایی نزدیک از وضع روستاها مسائل روستائی، نتیجه تحقیقات خود را در جزوئی تحت عنوان «تحلیل روستائی» در اختیار سازمان قرار داد.
- ۳- شش تن اعضای کمیته مرکزی تیم ایدئولوژی عبارت بودند از: حنیف نژاد، محسن عسکری زاده، میهن دوست، بهمن بازرگانی، مسعود رجوی و سه تن دیگر: رضا رضائی، حسن روحانی و تراب حق شناس بودند.
- ۴- شرح تأسیس و تاریخچه سازمان مجاهدین خلق ایران، انتشارات سازمان، ۱۳۵۸، ص ۴۴-۳۲
- ۵- سازمان مجاهدین، شرح تأسیس، ص ۴۴، ایران بین دو انقلاب، ص ۶۰۵
- ۶- تحلیل آموزشی بیانیه اپورتونیست های چپ نما، انتشارات مجاهدین خلق ایران، ۱۳۵۸، ص ۳۵
- ۷- مصاحبه با حسن روحانی و تراب حق شناس، پیکار، شماره ۷۹، سوم نوامبر ۱۹۸۱
- ۸- سازمان مجاهدین، تاریخچه جریان کودتا و خط کنونی سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۳۵۷، ص ۱۰ تا ۱۲
- ۹- سازمان مجاهدین، دفاعیات ناصر صادق، بینا، ۱۳۵۱، ص ۲۴
- ۱۰- سازمان مجاهدین، پاسخ به اتهامات اخیر رژیم، بینا، ۱۳۵۴، ص ۱۰ و ۱۳، ایران بین دو انقلاب، ص ۶۰۷ و ۶۰۸
- ۱۱- ریشه های گزینش مجاهدین، اطلاعات، ۴ و ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۱
- ۱۲- همان شرح تأسیس و تاریخچه ... ص ۲۷ و ۲۸
- ۱۳- حنیف نژاد محسن، بدیع زادگان، عسکری زاده، مشکین فام، میهن دوست، احمد رضائی، صادق باکری، محمد بازرگانی، بهمن بازرگانی، رجوی، به اضافه روحانی و رضا رضائی، اعضای تیم ایدئولوژی، دو نفر دیگر به نام های شناخته نشده اند.
- ۱۴- مصاحبه با تاریخ سازان، ص ۱۶۸
- ۱۵- اطلاعات، ۳۶ دی ماه ۱۳۵۰
- ۱۶- این هفت تن افراد گروه اعزامی به اردن عبارت بودند از: بدیع زادگان، رضا رضائی، باکری، مشکین فام، حق شناس، رجوی، محمود بازرگانی
- ۱۷- این اختلاف به این دلیل است که بسیاری دیگر از اعزام شدگان به اردوگاه های «الفتح» از طرق مختلف، از جمله توسط گروه «چمران»، محمد منتظری و گروه های دیگر مذهبی، گسیل شده اند که جزو آمارهای چریکی نبود.

#### در سبزهای سبز

در سبزهای سبز  
در زیر پلک خیس جنگل  
در سبزهای سبز جنگل  
کوچک  
چوپان تنهایی ست  
که هر غروب در نی  
فریاد جنگلی ها را  
سرریز می کند  
جنگل صدای گمشدگی ست  
جنگل  
صمیم وحدت ماست  
و چشم های کوچک  
باور نمی کند  
اینک صدای او  
در پیچ و تاب سرد سیاهکل  
گل می دهد  
در زیر پلک های خیس جنگل  
در سبزهای سبز شمالی ام  
کوچک  
یک نام یا صداست  
آواره غم نشین  
هر عصر می نوازد  
آهنگ کهنه را  
و با صدای نی لبکش  
آنها  
برادرانم  
گل های هرزه را  
با خون پاک خود  
تطهیر می کنند

#### سبز

ای کاش  
هزار تیغ برهنه  
بر اندوه تو می نشست  
تا بتوانم  
بشارت روشنی فردا را  
بر فراز پلک هایت  
نگاه کنم  
اینک  
صدای آن یار بی دریغ  
گل می کند در سبزترین سکوت  
و گلهای هرزه را  
در بارش مداوم خویش  
درو می کند  
جنگل  
در اندیشه های سبز تو  
جاری ست

خسرو گل سرخی (از: خسته تر از همیشه)